

چستی و چگونگی بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله

مجید مطهری راد

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چکیده

خداوند متعال بشریت را آفریده و یک ویژگی به آن داده است به نام اختیار، در کنار این ویژگی برای هدایت او دو نعمت عقل و ارسال رسل را برای وی فراهم کرده است. در طول تاریخ بشریت خداوند متعال ۱۲۴ هزار پیامبر را برگزید تا با اطاعت کردن از آنان انسان به هدایت و سعادت نائل گردد. آخرین پیامبر الهی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند ایشان را به خاتم الانبیاء متصف گردانید، روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این مقام معرفی گردید را روز مبعث گویند. در این مقاله سعی داریم با مرور اجمالی بر زوایای مختلف این ماجرا، بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مورد بررسی قرار دهیم.

### واژگان کلیدی: بعثت، مبعث، رسول الله، برگزیدن، نبوت.

## مقدمه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در چهل سالگی در بیست و هفتم ماه رجب در غار حرا به پیامبری برگزیده شد. نقل‌های مشهوری که در تاریخ درباره چگونگی آغاز بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، از نظر سند و متن، اشکال‌های مهمی دارد که آن‌ها را از اعتبار ساقط می‌کند. در مقابل روایات قابل توجهی درباره آغاز بعثت از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که با شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و معارف دین اسلام سازگار است. اولین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام بود و نخستین زن مسلمان، حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها.

در مرحله اول، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند مأمور شد که افرادی را که از نظر فکری و روحی آماده‌تر بوده‌اند به اسلام دعوت کند. این دعوت غیر عمومی سه سال طول کشید. در مرحله دوم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوت عمومی خویش را آغاز نمود و رفته رفته دعوت ایشان میان مردم گسترده می‌شد.

مشرکان برای مقابله با اسلام، ابتدا سیاست تطمیع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پیش گرفتند و در پی آن به تهدید آن حضرت نیز پرداختند.

قریش پس از شکست‌هایی که در مقابله با قرآن متحمل شدند، تلاش کردند که قرآن را اساطیر الاولین و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را سحر معرفی کنند.

در مرحله سوم، سیاست قریش بر این قرار گرفت که به سراغ کسانی بروند که علم و آگاهی بیشتری

دارند و از آنان بخواهند که مسائل پیچیده‌ای را با جواب‌هایی خاص در نظر گیرند و آن‌ها را در نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح کنند تا او از جواب بازماند و جایگاهش در نزد عموم مردم پایین بیاید. بدین منظور، به سراغ یهودیان یثرب رفتند، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با وحی الهی به همه پرسش‌های آنان پاسخ داد.

سران قریش، بعد از ناکامی‌های پی‌درپی به این نتیجه رسیدند که تنها راه مقابله با اسلام، استفاده از خشونت و شکنجه است تا ترس و وحشت را در دل مسلمانان جای دهند و کسانی را که متمایل به اسلام شده‌اند از پیوستن به این دین بازدارند.

سران مکه پس از شکست‌های پی‌درپی به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از پیشرفت اسلام، پیشنهادی صلح جویانه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بدهند، ولی خدای متعال با نزول سوره کافرون، نیت شومی را که آنان به دنبالش بودند آشکار نمود و پاسخی محکم به آنان داد.

## معنای بعثت در لغت

بعثت به معنای برگزیدن فردی به پیامبری از سوی خدا و آغاز دوره نبوتش است. هر چند بعثت درباره برگزیدن همه پیامبران به نبوت کاربرد دارد، اما از آن برگزیدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به پیامبری به ذهن متبادر می‌شود.<sup>۱</sup> از این رو در فرهنگ اسلامی، روز مبعث به روزی گفته می‌شود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت مبعوث شده است.<sup>۲</sup> بعثت در لغت به معنای برانگیختن است<sup>۳</sup>، همچنین به معنای ارسال<sup>۴</sup>، و روانه کردن نیز آمده است.<sup>۵</sup>

## معنای بعثت در قرآن

بعثت در قرآن کریم، به معنای برانگیختن و فرستادن پیامبران برای هدایت مردم<sup>۶</sup> و نیز حشر مردگان به کار رفته است.<sup>۷</sup> در قرآن کریم از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعبیر به منت شده است. منت از ریشه «مَنَّ» به معنای سنگی است که برای وزن کردن اجسام به کار می‌رود و اعطا کردن هر نعمت سنگین و گرانبهایی را منت گویند. و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به واسطه آثار و برکات فراوانی که دارد نیز منت یعنی نعمتی بسیار بزرگ معرفی شده است.<sup>۸</sup>

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی: «بعثت».

۲. بعثت نامه: مبحث بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: ص ۴۴.

۳. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم: ۱/ ۲۹۶.

۴. العین: ۲/ ۱۱۲.

۵. معجم مفردات الفاظ القرآن: ۱۳۲-۱۳۳.

۶. سوره بقره: ۲۱۳، سوره نحل: ۳۶.

۷. سوره یس: ۵۲، سوره بقره: ۵۶.

۸. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم: ۱۱/ ۱۸۲.

## هدف بعثت پیامبران

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>۹</sup>.

اوست خدایی که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبری را از خود آنان مبعوث کرد، تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنان را پاک سازد و کتاب و حکمت تعلیم دهد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

قرآن کریم، سند جاودانگی بعثت است. بعثت، همزاد قرآن است و با قرآن آغاز می شود. خداوند در قرآن، از بعثت پیامبران و اهداف آن سخن به میان آورده است. در آیه دوم از سوره جمعه، نکته‌هایی درباره بعثت پیامبران وجود دارد که به برخی اشاره می‌کنیم:

۱. هو الذی بَعَثَ: برانگیزاننده پیامبران، خداوند است. به بیان دیگر، بعثت پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با آن ویژگی‌هایی که جز از راه اعجاز نمی‌توان تفسیر کرد، نشان عظمت خداوند و شاهکار آفرینش اوست.

۲. فی الامیین: علم نبوت و رسالت در کتاب‌ها نیست، بلکه علم لدنی و از سوی خداوند است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از میان قشر درس نخوانده برخاست و همین مسئله، دلیل حقانیت اوست؛ زیرا کتابی مانند قرآن با آن همه محتوای عظیم و ژرف نمی‌تواند زاییده فکر بشر باشد.

۳. رسولاً منهم: پیامبران از قشرهای متوسط یا پایین جامعه و از جنس خود مردم‌اند.

۴. يتلوا عليهم: مطالعه آیات الهی، مقدمه و لازمه تزکیه نفس است. انسان در پرتو قرآن از هرگونه شرک، کفر، انحراف و فساد، پاک و پاکیزه می‌شود و کتاب و حکمت می‌آموزد.

۵. يُزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمْ: پاک شدن صحیفه دل، مقدمه تعلیم آیات الهی است.

۶. در آیه شریفه یادشده، هدف بعثت در سه امر خلاصه شده است: یکی جنبه مقدماتی دارد و آن، تلاوت آیات الهی است که با تلاوت آن، جهان تازه‌ای پیش چشم جهانیان باز شد و مردم با حقایق زندگی آشنا شدند. دو قسمت دیگر؛ یعنی تهذیب و تزکیه نفس و تعلیم کتاب و حکمت، دو هدف بزرگ و نهایی را تشکیل می‌دهد.<sup>۱۰</sup>

## فلسفه بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه بوده است؟

فلسفه بعثت چه بوده است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من را خداوند مبعوث کرده به پیامبری برای تکمیل مکارم اخلاق و خوبی‌های اخلاقی.

۹. سوره جمعه: ۲.

۱۰. کوثر برداشت‌هایی از قرآن کریم: ۱۲/ ۶۶۹.

از این روایت دو نکته برداشت می‌شود:

یک: یک سری از مکارم و خوبی‌های اخلاق بین مردم وجود داشته و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده و آن‌ها را تکمیل کرده، مثل صلہ رحم و ارتباط با خویشاوندان و نزدیکان.  
دو: یک سری مسائل هم وجود نداشته یا به غلط وجود داشته، مثل احترام به حقوق زن‌ها که وجود نداشت و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و جلوی ظلم به زنان را گرفتند.  
پس فلسفه و علت بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به اتمام رساندن مکارم اخلاقی بوده.  
لذا وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند به سه چیز در ابتدا مامور شدند که این سه چیز را در اولویت قرار بدهند:

یک: دعوت به یگانه‌پرستی و مبارزه با شرک و بت پرستی.

دوم: آموزش دادن عدم خیانت در امانت که بسیار در جامعه رواج داشته و مردمان شبه جزیره عربستان در آن زمان خیلی اذیت بودند از این که در امانت‌ها چه مادی و معنوی خیانت می‌شد.  
سوم: احترام به حقوق زنان و دختران بود.

### **بعثت، بزرگترین نعمت خداوند بر بشر است؟**

خداوند در زمان آفرینش انسان یک نورافکن بزرگ به نام عقل به انسان عطا کرده است تا با این عقل بتواند راه خود را پیدا کند، اما برای اینکه انسان صاحب انتخاب و اختیار باشد به او قوه اختیار داده و برای اینکه به او اختیار دهد در درونش نیروی‌های متعارض و متضادی قرار داد، یعنی در برابر عقل، شهوت و در برابر نفس مطمئنه، نفس اماره را قرار داد؛ در واقع عقل انسان او را به سمت اعمال درست و عالی می‌کشاند ولی جسمش او را به سمت لذت‌های مادی، ملموس و نزدیک که به راحتی قابل دست‌یابی هستند، می‌کشاند؛ بنابراین برای اینکه مختار باشد، هم باید نیروی مطمئنه و هم نفس اماره داشته باشد و هم نیرویی که او را به شهوت و لذت‌های مادی بکشاند و هم نیرویی که او را به راه درست و دراز مدت دعوت کند.

با توجه به اینکه لذت‌های مادی با چشم قابل مشاهده و با دست قابل لمس هستند لذا دست‌یابی به آن‌ها راحت‌تر است، ولی لذت‌های معنوی که دراز مدت هستند، نیاز به تعقل، تفکر و تدبیر دارد و دست‌یابی آن‌ها برای انسان کمی سنگین‌تر است و اغلب افراد هم به سمت کارهای راحت‌تر متمایل می‌شوند و معمولاً برای اینکه خود را از قید تعقل و تفکر خلاص کنند با خرافات و جهالت به ندای طمع و شهوت خود پاسخ می‌دهند. در واقع انسان سعی می‌کند، روی نورافکن (عقل) خود را با چیزی بپوشاند و خداوند برای اینکه به انسان بگوید این پارچه را از روی نورافکن خود بردار، می‌فرماید: بیا تفکر کن، بیا تعقل کن، بیا خود را از بند اسارت‌های نفسانی رها کن؛ در واقع خداوند متعال با فرستادن پیغمبران، مددکار و یاور عقل انسان می‌شود، در واقع خداوند با ارسال پیامبران خود یک نوع نیروی کمکی برای عقل می‌فرستد تا

عقل را احیا کند. بر همین اساس مکرر در قرآن کریم تذکر می‌دهد که اقوام پیشین (قوم موسی علیه السلام، قوم عیسی علیه السلام و قوم لوط علیه السلام) چنان و چنین کردند و گمراه شدند، شما این اعمال را انجام ندهید. سعی می‌کند با آوردن این مثال‌ها، نسل بشر عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیدار کند تا با دست برداشتن از خرافات و جهالت هم به سعادت دنیوی و هم به سعادت اخروی دست یابند.

لذا خداوند هم در قرآن کریم می‌فرماید: ما آمده‌ایم تا این زنجیرهای جهل، خرافات، شهوت و طمع را از گردن اندیشه شما باز کنیم؛ بنابراین از آنجا انسان به سمت لذت‌های مادی، محسوس و ملموس گرایش بیشتری پیدا می‌کند و به تعبیر قرآن کریم به گردن فکر و اندیشه‌اش زنجیرهای گرانی آویزان می‌کند؛ در واقع روی نورافکن خود را می‌پوشاند و فکر می‌کند فقط برای همین آفریده شده است و ترجیح می‌دهد از این لذت‌ها بهره مند شود. از سوی دیگر باید گفت که قرآن کریم، مانع و منکر لذت‌های مادی نیست اما می‌گوید: در کنار لذت مادی، لذت معنوی هم وجود دارد که نباید از آن غافل شد و آن جاودانه، ابدی، پایا و پایدار است.

بنابراین خداوند به انسان می‌فرماید: بیا دانا، دارا، توانا، پارسا، پیروز و خردمند باش. خلاصه اینکه پیغمبران از جمله پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم آمده‌اند تا دست انسان را بگیرند و آن را به سمت هدف و مقصد نهایی هدایت کند؛ به همین دلیل است که بعثت هر کدام از پیامبران اولو العزم علیهم السلام یکی از بزرگترین نعمت‌های خداوند در آن عصر است. وقتی خداوند می‌فرماید: ما بزرگترین نعمت را به شما عطا کردیم، یعنی اینکه زندگی فقط به این زندگی ۷۰ و ۸۰ ساله این دنیا محدود نمی‌شود بلکه این دنیا پل و گذرگاهی برای انتقال به مرحله دیگری از حیات است که به صورت جاودانه و ابدی ادامه خواهد داشت. در نهایت عملی که انسان در این دنیا انجام می‌دهد، سرنوشت او را در مرحله بعدی حیاتش تعیین می‌کند. خداوند می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» شما گروگان عمل خود خواهید بود، پس مراقب اعمال خود باشید.

چرا پیامبر ابتدا در شبه جزیره عربستان به پیامبری مبعوث شد و دعوت به دین اسلام از آنجا آغاز شد؟ چرا در ایران یا اروپا مبعوث نشد و دین اسلام از آنجا آغاز نشد؟  
در پاسخ گوییم:

در ابتدا باید گفت اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر جای دیگری از جهان خاکی نیز ظهور می‌کرد، همین پرسش مطرح بود! اما شاید بتوان دلایلی را برای این امر محتمل دانست.

۱. از آنجا که هدف اصلی پیامبر اسلام تثبیت و گسترش دین اسلام و در نهایت تشکیل یک حکومت اسلامی بود، چنین به نظر می‌رسید که این امر در منطقه‌ای که دور از سیطره قدرت‌های مطرح جهان آن روز باشد، امری میسرتر است.

ضرورت تشکیل یک حکومت اسلامی به مانند آن نمونه کوچکی که در شهر مدینه توسط خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وجود آمد و همچنین برقراری عدالت اجتماعی و اجرای دستورات

الهی در سطح اجتماعی، در درون امپراتوری‌های بزرگی چون پارس، روم و چین، امری مشکل و پرهزینه بود.

چنانچه بتوان گفت که سرزمین حجاز یک موقعیت تمدنی منحصر به فرد داشت، چون که در مرکز دایره‌ای قرار داشت که از هر سو تمدن‌های گذشته‌ی بشری آن را احاطه کرده بودند. در جنوب آن تمدن یمن، در شمال تمدن روم و فنیقیه، در شرق و شمال شرقی تمدن ایران و آشور و در غرب تمدن مصر باستان وجود داشتند. طبیعی است که چنین موقعیتی بستر خوبی برای رشد و گسترش اسلام گردد و خداوند حکیم پیامبر اسلام را در مرکز این دایره مبعوث کند، تا راه هدایت بشری سهل گردد.

و از طرفی حمایت‌های قبیله‌ای و بحث شرافت انساب در بین مردمان آنجا، راه را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باز می‌نمود و در برخی برهه‌ها نیز راه گشا بود.

۲. از سوی دیگر عمق شرک، بت پرستی و روحیه لجاجت در مردمان آن سرزمین به قدری بود که اگر دین به زبان دیگر فرود می‌آمد، پذیرا نمی‌شدند. زیرا از سنت‌های الهی چنین است که خداوند می‌فرماید: «ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنها آشکار سازد»<sup>۱۱</sup>. از این رو اگر دین در سرزمینی دیگر فرود می‌آمد، و به زبانی غیر از عربی بر آنها نازل می‌شد، باز هم اشکال می‌کردند که چرا عربی نیست: «و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم، قطعاً می‌گفتند: «چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده؟ کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان؟»<sup>۱۲</sup>. و از پذیرش ایمان سر باز می‌زدند: «و اگر آن را بر برخی از غیر عرب زبانان نازل می‌کردیم، و [پیامبر] آن را بر ایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند»<sup>۱۳</sup>.

البته نبود چنین روحیه‌ای در بین دیگر اقوام به شکل فضیلت شمرده شده است؛ امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «اگر این قرآن را بر عجم نازل می‌گشت، عرب بدان ایمان نمی‌آورد و حال آنکه آن را بر عرب نازل شد و عجم بدان ایمان آورد و این فضیلت عجم است»<sup>۱۴</sup>.

## زمان بعثت

روز بیست و هفتم ماه رجب که با نوروز مطابق بود، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در سن چهل سالگی مبعوث به رسالت شد. به روایت امام حسن عسکری علیه السلام<sup>۱۵</sup>، چون چهل سال از سن آن حضرت گذشت حق تعالی دل او را بهترین دل‌ها و خاشع‌تر مطیع‌تر و بزرگ‌تر از همه دل‌ها یافت، پس دیده‌ی آن حضرت را نور دیگر داد و امر فرمود که درهای آسمان را گشودند و فوج فوج از ملائکه به زمین می‌آمدند. آن حضرت نظر می‌کرد و ایشان را می‌دیدند، خداوند رحمت خود را از ساق

۱۱. سوره ابراهیم: ۴.

۱۲. سوره فصلت: ۴۴.

۱۳. سوره شعراء: ۱۹۸.

۱۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح موسوی جزائری، ج ۲، ص ۱۲۴، دار الکتب، قم، ۱۴۰۴ق.

۱۵. بحار الانوار: ۲۰۶/۱۸.



عرش تا سر آن حضرت متصل گردانید. پس جبرئیل فرود آمد و اطراف آسمان و زمین را فرو گرفت، بازوی آن حضرت را حرکت داد و گفت: «یا محمد! بخوان! فرمود: «چه چیز بخوانم؟» گفت: اقرء بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ پس و حی‌های خدا را به او رسانید.

به روایت دیگر پس دوباره جبرئیل با هفتاد هزار ملک و میکائیل با هفتاد هزار ملک نازل شدند و کرسی عزت و کرامت برای آن حضرت آوردند و تاج نبوت بر سر آن سلطان سریر رسالت گذاشتند. لوی حمد را به دستش دادند و گفتند: بر این کرسی بالا رو و خداوند خود را حمد کن.»

به روایت دیگر آن کرسی از یاقوت سرخ بود و پایه‌ای از آن از زبرجد و پایه‌ای از مروارید. پس زمانی که ملائکه بالا رفتند و آن حضرت از کوه حرا به زیر، آمد انوار جلال چنان او را فرو گرفته بود که هیچ کس را یارای آن نبود تا به آن حضرت نظر کند، و بر هر درخت گیاه و سنگ که می‌گذشت آن حضرت را سجده می‌کردند و به زبان فصیح می‌گفتند: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ وقتی داخل خانه‌ی خدیجه شد از شعاع خورشید جمالش خانه منور گردید!

خدیجه گفت: «یا محمد! این چه نور است که در تو مشاهده می‌کنم؟» فرمود: که این نور پیامبری است، بگو: لا إله إلا الله، محمد رسول الله. خدیجه گفت: «سال‌ها است من پیغمبری تو را می‌دانم پس شهادت گفت و به آن حضرت ایمان آورد.» پس حضرت فرمود: «ای خدیجه من سرمایی در خود مییابم جامه‌ایی بر من بپوشان!» چون خوابید از جانب حق تعالی ندا به او رسید:

«يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ كُمْ فَأَنْذِرْ وَ رَبِّكَ فَتَبَّرُ (یعنی ای جامه بر خود پیچیده! برخیز! پس بترسان مردم را از عذاب خدا و پروردگار خود را پس تکبیر بگو و به بزرگی یاد کن) پس حضرت برخاست و انگشت در گوش خود، گذاشت پس گفت: الله أكبر الله أكبر، صدای آن حضرت به هر موجودی رسید و همه با او موافقت کردند.

طبق گفته مورخان، بعثت در سال چهارم عام الفیل و بیستمین سال حکومت خسرو پرویز بر ایران روی داده است. برخی از منابع ۱۷ یا ۱۸ رمضان، یا یکی از روزهای ربیع الاول را روز بعثت دانسته‌اند<sup>۱۶</sup>، و قول مشهور در میان شیعیان ۲۷ رجب است<sup>۱۷</sup>. پیامبر در غار حرا به نبوت رسید.

مطابق دیدگاه امامیه، بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سن ۴۰ سالگی (سال چهارم از عام الفیل) بر همگان آشکار گشت. اهل تسنن معتقدند ابتدای پیامبری ایشان در سن ۴۰ سالگی بوده و در تعیین ماه و روز بعثت نیز با امامیه اختلاف نظر دارند، به باور آن‌ها، بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از روزهای ماه رمضان (هفدهم یا هجدهم یا...) از سال چهارم عام الفیل بوده؛ این در حالی است که شیعیان ۱۲ امامی نظر بر آن دارند که بعثت آن حضرت در بیست و هفتم ماه رجب از سال چهارم رخ داد. علامه مجلسی رحمه الله علیه مدعی است امامیه در این باره اتفاق نظر دارد.

۱۶. سیره النبویه: ۱ / ۳۸۵.

۱۷. بحار الانوار: ۱۸ / ۱۹۰.

و علی الاخیر اتفاق الامامیه<sup>۱۸</sup>.

بر این نظر اخیر، شیعیان اتفاق نظر دارند.

بدیهی است؛ اتخاذ موضع از سوی شیعه با تکیه بر احادیث اهل بیت پیامبر علیهم السلام است، چنان که در برخی از روایات ائمه علیهم السلام از بیست و هفتم رجب به عنوان تاریخ بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یاد شده است. «بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فِي سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ»<sup>۱۹</sup>.

و در تعدادی از روایات، استحباب روزه بیست و هفتم رجب را به دلیل بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز می‌داند. «لَا تَدْعُ صِيَامَ يَوْمِ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ فَإِنَّهُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ النَّبُوءَةُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»<sup>۲۰</sup>.

این روایت مخالف با سایر روایات فراوان است، و چه بسا این روایت معنای دیگری داشته باشد که مناسب با نزول قرآن داشته باشد و یا معنای مجازی دیگر، یا اینکه مقصود از نبوت در سایر روایات رسالت است و نبوت به معنای نزول وحی شخصی بر ایشان است یعنی اموری دینی که فقط مربوط به خود ایشان است [دستورات خاص اخلاقی و معارفی] و ممکن است این روایت حمل بر تقیه شود.

## ماجرای آغاز رسالت پیامبر

پیامبر وقتی که در غار حرا به تفکر و عبادت مشغول بود، با نزول نخستین آیات سوره علق، بعثتش آغاز شد و با نخستین آیات سوره مدثر ادامه یافت<sup>۲۱</sup>. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا همسرش خدیجه سلام الله علیها و پسر عمویش علی بن ابی طالب علیهما السلام را در جریان نبوت خویش قرار داد. سه سال بعد با نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»<sup>۲۲</sup> (و خویشان نزدیکت را هشدار ده) آشنایانش را از نبوت خود آگاه کرد و در همان سال با نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۲۳</sup> (پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب) نبوتش را علنی کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخستین بار در بازار عکاظ، جایی که مردم برای تجارت در آن جمع بودند و عده‌ای نیز در بلندی‌های آن به بیان اشعار تازه و داستان‌های گوناگون مشغول بودند، دعوت خویش را آشکار کرد. ابولهب و عده‌ای دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را آزار رساندند؛ اما ابوطالب در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را تنبیه کرد<sup>۲۴</sup>.

۱۸. بحار الانوار: ۱۸ / ۱۹۰.

۱۹. کافی: ۴ / ۱۴۹.

۲۰. همان.

۲۱. السیره النبویه: ۱ / ۲۳۶ - ۲۳۷.

۲۲. سوره شعراء: ۲۱۴.

۲۳. سوره حجر: ۹۴.

۲۴. تاریخ یعقوبی: ۲ / ۱۷-۱۸.

## مکان نزول نخستین وحی

امروزه شهرت بر آن است که نخستین وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در غار حراء بوده است. صرف نظر از برخی منابع حدیثی اهل تسنن که بر این مساله تصریح دارند (نمونه‌ای از آن را در بخش "چگونگی نزول نخستین وحی" می‌آوریم)، دانشمندان شیعه نیز در مواردی بیان داشتند سرآغاز بعثت از غار حراء بوده است.

### ۱. بیان طبرسی

طبرسی رحمه الله علیه می‌گوید:

«اکثر المفسرین علی ان هذه السورة اول ما نزل من القرآن و اول يوم نزل جبرائيل عليه السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هو قائم علی حراء علمه خمس آیات من اول هذه السورة»<sup>۲۵</sup>. مطابق دیدگاه بیشتر مفسران، این سوره (علق) اولین سوره از قرآن است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و نخستین روزی که جبرئیل بر آن حضرت نازل گشت در حالی که ایشان در غار حراء ایستاده بود، پنج آیه اول این سوره را برای ایشان بیان کرد.

علی‌رغم گفته این عالمان؛ در جوامع حدیثی امامیه از غار حراء به عنوان محل نزول آغازین وحی، سخنی به میان نیامده است نهایتاً در موارد اندک همانند خطبه قاصعه امیرمؤمنان علیه السلام از حراء به عنوان محل عبادت آن حضرت در بخشی از سال یاد شده است، اما اینکه محل نزول اولین وحی هم در آنجا بوده یا نه، از این خطبه برداشت نمی‌شود. وانگهی؛ از گفتار برخی عالمان امامی چنین استفاده می‌شود که نخستین وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در منطقه‌ای میان مکه و منا به نام "ابطح" بوده است.

### ۲. بیان قتال نیشابوری

قتال نیشابوری رحمه الله علیه می‌نویسد:

«فإذا أتت اربعون سنة أمر الله عزّ و جلّ جبرئيل ان يهبط اليه باظهار الرسالة و ذلك في يوم السابع و العشرين من شهر الله الأصمّ فاجتاز بميكائيل فقال أين تريد فقال له قد بعث الله جلّ و عزّ نبياً نبيّ الرحمة و أمرني أن أهبط إليه بالرسالة فقال له ميكائيل فاجيء معك قال له نعم فنزلاً و وجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نائماً بالأبطح بين أمير المؤمنين و جعفر بن أبي طالب عليهما السلام... فقال ميكائيل لجبرئيل إلى أيهم بعثت قال إلى الأوسط ثم انتبه النبي صلی الله علیه و آله و سلم فادى إليه جبرئيل الرسالة عن الله تعالى»<sup>۲۶</sup>.

آنگاه که چهل سالگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرا رسید، خداوند متعال به جبرئیل

۲۵. تفسیر مجمع البیان: ۱۰ / ۳۹۸.

۲۶. روضة الواعظین: ۵۲.

دستور داد تا برای ابلاغ رسالت بر آن حضرت فرود آید و آن در روز بیست و هفتم ماه رجب بود، جبرئیل از کنار میکائیل گذشت، میکائیل از او پرسید: کجا می‌روی؟ گفت: همانا خداوند پیامبری را مبعوث فرموده که پیامبر رحمت است و به من فرمان داد تا برای ابلاغ رسالت نزد او بروم، میکائیل گفت: من هم با تو می‌آیم، گفت: بیا، هر دو فرود آمدند، این در حالی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منطقه ابطح میان امیرمؤمنان و جعفر بن ابی طالب علیهما السلام خوابیده بود ... میکائیل به جبرئیل گفت: به سوی کدامیک از ایشان مبعوث شدی؟ گفت: به سوی آن کسی که در وسط است، جبرئیل پیام رسالت را از سوی خداوند بزرگ به آن حضرت ابلاغ کرد.

### ۳. بیان مسعودی

مسعودی شیعه در اثبات الوصیه، همین مضمون را آورده است: «امر الله عز و جلّ جبرئیل ان یهبط الیه صلی الله علیه و آله و سلم باظهار الرسالۃ... فوجدا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نائما بالابطح... فادی جبرئیل الرسالۃ الیه عن الله جل جلاله»<sup>۲۷</sup>.

خداوند متعال جبرئیل را مامور کرد تا برای اظهار رسالت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرود آید... جبرئیل با ملک دیگر دیدند که آن حضرت در سرزمین ابطح خوابیده است... آنگاه جبرئیل رسالت را از سوی خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رساند.

لازم به ذکر است که آیت‌الله شبیری زنجانی در جلد سوم کتاب "جرعه‌ای از دریا"<sup>۲۸</sup> می‌نویسد: مسعودی صاحب اثبات الوصیه غیر از مسعودی صاحب مروج الذهب است و مسلماً شیعه است.

### ۴. بیان علی بن ابراهیم قمی

در پاره‌ای از روایات منابع امامیه از این موضوع (نزول وحی در سرزمین ابطح) سخن به میان آمده است که چه بسا همین طایفه از روایات، مستند افرادی چون فتال نیشابوری و مسعودی قرار گرفته است. این روایات (همچنان که خواهید دید) در عین حال که از اندکی تفاوت برخوردارند، همگی سخن از فرود آمدن جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سرزمین ابطح، به میان آوردند.

«علی بن ابراهیم رحمه الله علیه از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. «كُنَّا رُقُودًا بِالْأَبْطَحِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يَمِينِي وَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يَسَارِي وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عِنْدَ رَجُلِي وَ جَبْرَائِيلُ فِي ثَلَاثَةِ أَمْلاَكٍ يَقُولُ لَهُ أَحَدُ الْأَمْلاَكِ الثَّلَاثَةِ إِلَيَّ أَيُّ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ أُرْسِلْتَ فَقَالَ إِلَيَّ هَذَا، قَالَ: وَ مَنْ هَذَا فَقَالَ: هَذَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ»<sup>۲۹</sup>.

ما در سرزمین ابطح خوابیده بودیم، علی بن ابی طالب علیهما السلام سمت راست من بود، جعفر سمت چپم و حمزه پایین پاهایم بود، جبرئیل به همراه سه تا از ملائکه آمدند، یکی از آنها گفتند به سوی

۲۷. اثبات الوصیه: ۱۱۵ - ۱۱۶.

۲۸. جرعه‌ای از دریا: ۲۲۵.

۲۹. تفسیر قمی: ۲ / ۳۴۷.

کدامیک از این چهار نفر فرستاده شدی؟ گفت: به سوی این فرد. گفت: او کیست؟ گفت: این شخص محمد صلی الله علیه و آله و سلم آقای پیامبران است.

### ۵. بیان شیخ طوسی

پس از وی، شیخ الطائفه رحمه الله علیه آن را با کمی تفاوت در کتاب امالی خود نقل کرده است: «رَقَدْتُ بِالْأَبْطَحِ وَعَلِيٌّ عَنْ يَمِينِي وَ جَعْفَرٌ عَنْ يَسَارِي وَ حَمْزَةٌ عِنْدَ رِجْلِي فَ نَزَلَ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ اسْرَافِيلُ فَادَا اسْرَافِيلُ يَقُولُ لِيَجْبُرَائِيلُ: اِلَى اِيْ اَلْاَرْبَعَةِ بُعِثَتْ وَ بُعِثْنَا مَعَكَ؟ فَ قَالِ اِلَى هَذَا وَ هُوَ مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ»<sup>۳۰</sup>. در سرزمین ابطح خوابیده بودم، علی بن ابی طالب در سمت راست و جعفر سمت چپ و حمزه نزد پایم بود، جبرئیل، میکائیل و اسرافیل نازل شدند، در این هنگام اسرافیل به جبرئیل می گوید: به سوی کدامیک از اینها مبعوث شدی؟ گفت: به سوی محمد که سرور پیامبران است.

### ۶. بیان شیخ صدوق

شیخ صدوق رحمه الله علیه این روایت را ضمن مناشدهای از امیرمؤمنان علیه السلام آورده است. (این روایت هم به همان داستان اشاره دارد اگر چه نامی از سرزمین ابطح به میان نیامد)  
«نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَرَقَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِي مِنْ خَيْرِ الْفِرْقَتَيْنِ ثُمَّ جَعَلَهُمْ شُعُوبًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ شُعْبَةٍ ثُمَّ جَعَلَهُمْ قَبَائِلَ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ قَبِيلَةٍ ثُمَّ جَعَلَهُمْ بِيُوتًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِ بَيْتٍ ثُمَّ اخْتَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَنَا وَ عَلِيًّا وَ جَعْفَرًا فَجَعَلَنِي خَيْرَهُمْ فَ كُنْتُ نَائِمًا بَيْنَ ابْنِي أَبِي طَالِبٍ فَجَاءَ جِبْرَائِيلُ وَ مَعَهُ مَلَكٌ فَقَالَ يَا جِبْرَائِيلُ اِلَى اِيْ هَؤُلَاءِ أُرْسِلْتَ فَقَالَ اِلَى هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِي فَاجْلَسَنِي غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا»<sup>۳۱</sup>.

شما را به خدا، در میان شما به جز من کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرموده باشد خداوند خلق را آفرید و آن‌ها را دو دسته کرد و مرا در دسته بهتر نهاد سپس آن را چند قبیله کرد مرا در قبیله بهتر نهاد سپس آن‌ها را چند خاندان کرد و مرا در خاندان بهتر نهاد سپس از خاندان من، مرا و علی و جعفر را برگزید و مرا بهتر از آنها گردانید، من میان دو فرزند ابی طالب (علی و جعفر) خوابیده بودم که جبرئیل به همراه فرشته‌ای آمد، آن فرشته به جبرئیل گفت به سوی کدامیک از این سه نفر نازل شدی؟ فرمود به سوی او، آنگاه دست مرا گرفت و مرا نشانید؟ گفتند: به خدا نه.

بنابراین از مجموع این روایات به دست می آید که از نظر شیعه مکان نزول وحی حراء نیست و سرزمین ابطح می باشد. حال در ادامه به چگونگی نزول وحی نخستین می پردازیم.

۳۰. امالی طوسی: ۲۲۳.

۳۱. خصال: ۵۵۹.

## چگونگی نزول نخستین وحی

یکی از مهمترین مباحث در حوزه مسایل مربوط به بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، کیفیت و چگونگی نزول نخستین وحی بر آن حضرت است. اهمیت این مطلب با توجه به روایات تامل برانگیز اهل تسنن در این باره، هویدا می شود.

### روایت اهل سنت

مطابق نقل بخاری و مسلم، که کتابشان منبع حدیثی درجه یک اهل تسنن به شمار می رود، وقتی که فرشته وحی در غار حراء بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، چنین گفت:

«فَجَاءَهُ الْمَلَكُ فَقَالَ اقْرَأْ قَالَ مَا اَنَا بِقَارِئٍ قَالَ فَاخَذَنِي فَغَطَّنِي حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ ثُمَّ ارْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ قُلْتُ مَا اَنَا بِقَارِئٍ فَاخَذَنِي فَغَطَّنِي الثَّانِيَةَ حَتَّى بَلَغَ مِنِّي الْجَهْدَ ثُمَّ ارْسَلَنِي فَقَالَ اقْرَأْ فَقُلْتُ مَا اَنَا بِقَارِئٍ فَاخَذَنِي فَغَطَّنِي الثَّلَاثَةَ ثُمَّ ارْسَلَنِي فَقَالَ (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ) فَرَجَعَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ يَرْجِفُ فُوَادَهُ فَدَخَلَ عَلَى خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَقَالَ زَمَلُونِي زَمَلُونِي فَمَلَّوهُ حَتَّى ذَهَبَ عَنْهُ الرَّوْعُ فَقَالَ لِيَخْدِجَةَ وَأَخْبَرَهَا الْخَبَرَ لَقَدْ خَشِيتُ عَلَى نَفْسِي فَقَالَتْ خَدِيجَةُ كَلَّا وَاللَّهِ مَا يُخْزِيكَ اللَّهُ أَبَدًا إِنَّكَ لَتَتَّصِلُ الرَّحِمَ وَتَحْمِلُ الْكَلَّ وَتَكْسِبُ الْمَعْدُومَ وَتَقْرِي الضَّيْفَ وَتَعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الْحَقِّ فَانْطَلَقَتْ بِهِ خَدِيجَةُ حَتَّى آتَتْ بِهِ وَرَقَةَ بْنَ نَوْفَلٍ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى بْنِ عَمِّ خَدِيجَةَ وَكَانَ امْرَأً تَنْصَرَفَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ... فَقَالَ لَهُ وَرَقَةُ يَا بَنَ أَخِي مَاذَا تَرَى فَأَخْبَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ خَبْرًا مَا رَأَى فَقَالَ لَهُ وَرَقَةُ هَذَا النَّامُوسُ الَّذِي نَزَّلَ اللَّهُ عَلَى مُوسَى» ۳۲ ۳۳.

وقتی فرشته الهی آمد به من گفت بخوان، گفتم: من قادر به خواندن نیستم، در این هنگام آن چنان مرا فشرد که بی رمق شدم، سپس رهايم نمود و گفت بخوان، من گفتم: قادر به خواندن نیستم، در این هنگام آن چنان مرا فشرد که بی رمق شدم و باز رهايم نمود؛ تا آنکه آن فرشته در مرتبه سوم مرا فشرد و رها نمود و گفت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به منزل آمد در حالی که قلبش مضطرب و ترسان بود، به ایشان فرمود مرا بپوشان، حضرت خدیجه ایشان را پوشانید تا اینکه ترس ایشان برطرف شد؛ آن حضرت به همسرشان فرمودند من از خودم می ترسم [شاید اتفاقی برایم رخ دهد] حضرت خدیجه گفت: هرگز خداوند تو را خوار نمی کند زیرا تو صله رحم به جا می آوری و بار فقیران را به دوش می کشی و به مستمندان کمک می کنی و مهمان نواز هستی و در حوادث، حق را یاری می کنی. حضرت خدیجه او را نزد پسر عمویش ورقه بن نوفل برد وی در دوران جاهلیت آیین مسیحیت گزیده بود ... ورقه گفت: چه می بینی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنچه دیده بود بیان داشت، ورقه به او گفت: این همان ناموسی است که خداوند نزد موسی علیه السلام فرستاد.

۳۲. صحیح بخاری: ۴ / ۱.

۳۳. صحیح مسلم: ۱ / ۱۳۹.

## اشکالات روایات اهل سنت

روایات اهل تسنن درباره واقعه اولین نزول وحی، از سوی اندیشمندان امامی مورد نقدهای جدی قرار گرفته است. مشروح این اشکالات در جلد سوم کتاب «الصحيح من سيرة النبي» علامه سید جعفر مرتضی حفظه الله ذکر شده است. ما در اینجا به صورت مختصر به ذکر چند اشکال می‌پردازیم:

چگونه می‌توان پذیرفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از مهمترین مسائل اعتقادی یعنی وحی و نبوت که سرآغاز دیگر مسائل است، دچار تردید شده و برای اثبات نبوتش به دیگران پناه آورد. در واقع او پیامبری است که دیگران نبوت او را تثبیت می‌کنند. او خود نمی‌داند اما دیگران می‌دانند!!

۱. عایشه تنها راوی این نقل است و به ادعای خودش سال چهارم و یا پنجم بعثت به دنیا آمده پس شاهد عینی نبوده که از پیش خود و بدون استناد به دیگری این مطالب را می‌گوید.

۲. طبق روایت او، فرشته وحی به پیامبر فرمان می‌دهد کلام خدا را بخواند و پیامبر می‌فرماید: خواندن بلد نیستیم؛ در اینجا سه فرض وجود دارد:

(الف) پیامبر بخواهند از روی لوحی بخوانند ولی بلد نباشند: طبق این فرض دیگر فشارهای مکرر دلیلی ندارد زیرا فشار دادن فرد ارتباطی به یادگیری او ندارد.

(ب) منظور جبرئیل این بود که پیامبر به دنبال او بخواند: این کار نیز امر دشواری نبود که پیامبری که به هوش و ذکاوت معروف بود نتواند انجام دهد و جبرئیل مجبور شود به زور متوسل شود.

(ج) پیامبر خواندن و نوشتن بلد بوده و اساساً این روایت جعلی است. چنانچه در ماجرای یوم الخمیس آمده است: **أَتْتُونِي بِكِتَابٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا**<sup>۳۴</sup>.

برایم کتفی بیاورید تا برایتان مطلبی بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید.

۳. بر اساس بسیاری از روایات شیعه و سنی وقتی جبرئیل بر پیامبر نازل می‌شد به صورت فردی با ادب می‌آمد و اجازه می‌گرفت و حضرت در کمال آرامش و راحتی می‌فرمود این برادرم جبرئیل است و چنین می‌گوید و در هیچ روایت دیگری نیامده است که جبرئیل پیامبر را اینگونه آزار داده باشد.

۴. تا کسی آمادگی چنین منصب عظیمی (ختم نبوت) را نداشته باشد معنا ندارد خداوند حکیم چنین وظیفه‌ای را به او واگذار کند به حدی که بگوید می‌ترسم اتفاقی برایم رخ دهد.

۵. چگونه ممکن است اطلاعات حضرت خدیجه و ورقه نسبت به نبوت پیامبر بیش از خود پیامبر باشد؟! و آیا هیچ مسلمانی می‌تواند بپذیرد که پیامبر از نبوت خود آگاه نبود و با گفته یک نصرانی فهمید که به پیامبری مبعوث شده است.

۶. چطور ممکن است حضرت عیسی در گهواره از پیامبری خویش آگاه است و نمی‌ترسد و حضرت یحیی نیز در کودکی پیامبر می‌شود و نمی‌هراسد اما خاتم انبیاء و با فضیلت‌ترین آنان در چهل سالگی نه تنها نمی‌داند پیامبر شده بلکه وحشت وجود او را فرا می‌گیرد و همسرش او را می‌پوشاند تا ترسش بریزد؟!

## برخی نقل‌های مشهور از بعثت پیامبر صحیح نیستند

بر روایات تاریخی مشهوری که چگونگی بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را توصیف کرده، خدشه‌های اساسی وارد است. بر اساس این نقل‌ها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز کوه حرا بود که جبرئیل به سیمای واقعی خود بر آن حضرت نازل شد؛ در حالی که تمام افق را پر کرده بود. دو پای جبرئیل بر فراز دو قلّه کوه بود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر کجا را که می‌نگریست، جبرئیل را می‌دید. در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این هیبت به وحشت افتاد و جبرئیل به شکل قابل تحمّلی به خدمت پیامبر رسید.

او از آن حضرت خواست که پنج آیه ابتدای سوره مبارکه علق را بخواند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «من خواندن بلد نیستم». جبرئیل او را در آغوش می‌گیرد و به سختی فشار می‌دهد و می‌گوید: «بخوان». آن حضرت باز هم می‌فرماید: «من نمی‌توانم». جبرئیل بار دیگر ایشان را فشار می‌دهد و باز هم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان می‌کند که قادر به خواندن نیست. در مرتبه سوم چنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را فشار می‌دهد که آن حضرت می‌فرماید: «نزدیک بود جان از تن من خارج بشود». بعد از این شروع به خواندن کرد و جبرئیل هم به آسمان برگشت.

بنابراین نقل، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این حوادث به شدت مضطرب بود؛ به گونه‌ای که وقتی می‌خواست از کوه پایین بیاید، نزدیک بود خود را به پایین پرتاب کند! او با اضطراب وارد خانه شد و خطاب به حضرت خدیجه سلام الله علیها فرمود: «زَمَلُونِي»، «دَثْرُونِي»؛ یعنی مرا بیوشانید و در جامه‌ای بپیچید. خدیجه سلام الله علیها نگران شده، می‌پرسد: «چه حادثه‌ای پیش آمده است؟». رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واقعه را نقل می‌کند و می‌فرماید: «من بسیار نگرانم».

در این نقل‌ها آمده که حضرت خدیجه سلام الله علیها به تنهایی یا با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد پسر عمویش، ورقه بن نوفل که نصرانی بود می‌رود و از او راهنمایی می‌خواهد! وقتی ورقه بن نوفل صحبت‌ها را می‌شنود، رهنمودی می‌دهد. او می‌گوید: «اگر بار دیگر آن موجود بر پیامبر نازل شد، چنانچه فلان خصوصیات را داشته باشد بدانید که شیطان است و از او دوری کنید، وگرنه جبرئیل است و آن حضرت به رسالت مبعوث شده و همچون ابراهیم و موسی و عیسی، پیامبر خدا است».

بار دیگر که جبرئیل نازل شد، با همان شیوه‌ای که ورقه بن نوفل گفته بود او را آزمودند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یقین کرد که او جبرئیل است.<sup>۳۵</sup>

## اشکالات اینگونه نقل‌ها

علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین رحمت الله علیه به این نقل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشکال کرده که چگونه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سرآمد خلقت و عقل کل است، نمی‌داند که به رسالت مبعوث شده و یک مسیحی او را راهنمایی می‌کند؟! استاد بزرگوار، مرحوم علی دوانی

۳۵. صحیح بخاری با شرح کرمانی ط بیروت: ۱/ ۲۹-۴۰ و ۲۴/ ۹۴. و نظیر همین روایت در صحیح مسلم: ۱/ ۹۷ و تاریخ طبری: ۲/ ۴۷ و ...



رحمت الله عليه با ایده گرفتن از علامه شرف‌الدین بر روی این موضوع کار کرد و در کتاب «شعاع وحی بر فراز کوه حراء» و نیز در «تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت» با بیان دلایلی، این نقل را به کلی باطل دانست. بعد از ایشان، علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمت الله تعالی علیه در کتاب «الصحيح من سيره النبي الاعظم صلى الله عليه و آله و سلم» با ارائه دو دلیل، این نقل‌ها را رد می‌کند.

از جمله استدلال‌های استاد دوانی این است که خدا خود اراده کرده که پیامبر امی باشد و به ظاهر خواندن و نوشتن نداند تا مشرکان در برابر دعوت آن حضرت نگویند، او با خواندن کتاب‌های پیشینیان این ادعاها را برای مردمان بی‌سواد مطرح کرده است.

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»<sup>۳۶</sup>.

اوست آن کس که در میان بی‌سوادان پیامبری از خودشان مبعوث کرد که آیات او را بر آنان تلاوت کند و پاکشان سازد و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند. این معجزه اسلام است که چنین پیامبری را از میان گروهی بی‌سواد مبعوث می‌کند و اراده می‌کند که خود پیامبر نیز خواندن نداند، پس چگونه است که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکم می‌کند که بخوان و بر این امر پافشاری می‌نماید؟!

در برخی از نقل‌ها آمده است که جبرئیل لوحی را مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گرفته بود که از روی آن بخواند و ایشان می‌فرمود: نمی‌توانم. برخی نقل‌ها نیز می‌گویند که مقصود جبرئیل این بود که این پنج آیه را تکرار کند.

باید پرسید: چطور پیامبر که عقل کل و برترین خلقت الهی است، قادر نیست پنج جمله کوتاه را به زبان مادری خود تکرار کند، آن هم بعد از اینکه جبرئیل سه بار این آیات را تکرار می‌کند؟!

بنا بر نظر استاد دوانی اگر فشار دادن جبرئیل چنین خاصیتی داشته که می‌توانسته بی‌سوادی را قادر به خواندن کند، چرا همان بار اول اثر نکرده و سه بار آن حضرت را فشار می‌دهد تا آنجا که در مرتبه آخر نزدیک بوده که جان آن حضرت از تن خارج شود؟! از سوی دیگر، چگونه پس از این زمان، این خاصیت از بین می‌رود و باز هم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آخر عمر چیزی را نخوانده است.

اشکال دیگر این است که ما در این نقل‌ها از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داریم که جبرئیل با «إِقْرَأْ» شروع می‌کند و با «مَا لَمْ يَعْلَمْ»<sup>۳۷</sup> پایان می‌دهد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در کلام او نیست، در حالی که سوره علق با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع شده است<sup>۳۸</sup>.

اشکال دیگر این است که منظور خداوند از «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»<sup>۳۹</sup> و آیات بعد از آن، چیست؟ اگر بنا باشد پیامبر فقط این آیات را تکرار کند، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ و اگر مقصود این باشد، تکرار

۳۶. سوره جمعه: ۲.

۳۷. سوره علق: ۵.

۳۸. کافی: ۲ / ۶۲۸.

۳۹. سوره علق: ۱.

کردن که دیگر نیاز به سواد ندارد.

اما از این قسمت روایت که بگذریم، مطالبی که در ادامه گفته شده نیز با شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سازگار نیست. چطور اشرف انبیا با دیدن فرشته وحی این قدر دچار اضطراب می شود که می خواهد خود را از بالای کوه به پایین پرتاب کند و یک فرد نابینای مسیحی او را راهنمایی می کند؟! درباره هیچ پیامبری چنین نقل هایی نداریم که نشان بدهد آنان در هنگام رسیدن به رسالت دچار چنین اضطراب و تردیدی شده اند، در حالی که مقام همه ی آنان از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پایینتر است، اینگونه نقل ها با سخنان معصومان سازگاری ندارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه قاصعه می فرماید:

«وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهٖ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهٖ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَمَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَنَهَارُهُ وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرُ أُمَّهٖ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْماً وَ يَأْمُرُنِي بِالْأَقْتِدَاءِ بِهٖ»<sup>۴۰</sup>.

و از آن زمان که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را از شیر گرفتند، خدا بزرگترین فرشته از فرشتگان را همراه او کرد که شب و روز او را در راه کرامت ها و نیکی های اخلاق جهان حرکت دهد و من نیز دنباله روی او بودم، چنان که بچه شتر در پی مادرش می رود و او هر روز علم و نشانه ای از اخلاق خود برمی افراشت و به من امر می فرمود که از آن پیروی کنم.

پیامبر بزرگوار ما که از طفولیت با بزرگترین فرشته خدا در ارتباط بوده، چگونه در سن چهل سالگی از ملاقات جبرئیل به هراس می افتد و نمی فهمد که چه امری رخ داده است؟!

## بررسی سند روایات بعثت پیامبر

از لحاظ سندی نیز این روایات نقل شده از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جای تأمل دارند؛ زیرا عموماً به عایشه و خواهرزاده های او مثل عروه بن زبیر می رسند. عایشه هم نمی گوید که این مطالب را از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده است. عایشه مدعی است که بعد از بعثت پیامبر به دنیا آمده، پس خودش نمی تواند به ماجرای بعثت آگاه باشد؛ بنابراین نقل او مرسل است و حجیت ندارد. عروه بن زبیر و دیگرانی هم که این روایات از آنان نقل شده، به جعل حدیث معروف هستند.

## بعثت پیامبر در روایات صحیح

استاد دوانی رحمت الله علیه علاوه بر ذکر این دلایل، روایتی زیبا و متناسب با شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از امام هادی علیه السلام نقل می کند. براساس این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از آخرین سفر تجاری، هرچه از سود این سفر به دست آورد، به نیازمندان بخشید و پس از

آن از مردم کناره گرفت. ایشان به غار حرا می آمد و به راز و نیاز با خدا مشغول می شد. روزی از روزها خداوند او را آماده انجام رسالت یافت و جبرئیل علیه السلام را که در هاله ای از نور بود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر کرد. جبرئیل دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را گرفت و تکان داد و عرض کرد: «بخوان». آن حضرت فرمود: «چه بخوانم؟». عرض کرد: «نام خدایت را که تو را خلق کرد». و تا آخر آیه پنجم سوره علق را خواند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز شروع به خواندن کرد. جبرئیل عرض کرد: «شما از این لحظه پیامبر خدا هستید».

خداوند در آغاز رسالت، درهای آسمانها را گشود و فرشتگان الهی گروه گروه به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب می شدند و به آن حضرت تبریک می گفتند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که برای نخستین بار بود چنین جلال و شکوهی را از خلقت خداوند می دیدید، از دیدن این صحنه ها دچار شگفتی و بهت شد.

جبرئیل پس از انجام مأموریت خود به آسمان برگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی از کوه فرود می آمد در بین راه با خود می اندیشید که آیا من در این مأموریت و رسالت عظیم موفق خواهم بود! مبادا قریش به من نسبت جنون بدهند و با پیشرفت کار رسالت مخالفت کنند! خداوند به او وحی کرد: «از تکذیب قریش نگران نباش؛ به زودی دین تو گسترش پیدا می کند. پرچم حمد در دست تو است و بعد از تو به دست علی بن ابی طالب علیهما السلام سپرده خواهد شد. علی بن ابی طالب علیهما السلام را بعد از تو سرآمد همه انبیا و اولیا گردانیدیم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با خود اندیشید که آیا مقصود علی بن ابی طالب است؟ ندا آمد: «آری! هموست که روز قیامت زیر پرچم او همه انبیا و اولیا و صدیقین و شهدا وارد بهشت پر نعمت خواهند شد».

بعد برای قوت قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خداوند بشارت هایی به آن حضرت داد و فرمود: «به زودی چشمان تو به دیدار سرور بانوان دو عالم، دخترت فاطمه سلام الله علیها روشن خواهد شد و از ازدواج او با علی بن ابی طالب علیهما السلام حسن و حسین علیهما السلام، سرور جوانان اهل بهشت پدید خواهند آمد».

بعد از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از کوه فرود آمد، از صخره ها و تخته سنگ ها ندا می آمد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ»<sup>۴۱</sup>.

### اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از بعثت

در مرحله اول، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند مأمور شد که افرادی را که از نظر فکری و روحی آماده تر بوده اند به اسلام دعوت کند. این دعوت غیر عمومی سه سال طول کشید.

در مرحله دوم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوت عمومی خویش را آغاز نمود و رفته رفته دعوت ایشان میان مردم گسترده می شد.

مشرکان برای مقابله با اسلام، ابتدا سیاست تطمیع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پیش گرفتند و در پی آن به تهدید آن حضرت نیز پرداختند.

قریش پس از شکست‌هایی که در مقابله با قرآن متحمل شدند، تلاش کردند که قرآن را اساطیر الاولین و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را سحر معرفی کنند.

در مرحله سوم، سیاست قریش بر این قرار گرفت که به سراغ کسانی بروند که علم و آگاهی بیشتری دارند و از آنان بخواهند که مسائل پیچیده‌ای را با جواب‌هایی خاص در نظر گیرند و آن‌ها را در نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح کنند تا او از جواب بازماند و جایگاهش در نزد عموم مردم پایین بیاید. بدین منظور، به سراغ یهودیان یثرب رفتند، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با وحی الهی به همه پرسش‌های آنان پاسخ داد.

سران قریش، بعد از ناکامی‌های پی‌درپی به این نتیجه رسیدند که تنها راه مقابله با اسلام، استفاده از خشونت و شکنجه است تا ترس و وحشت را در دل مسلمانان جای دهند و کسانی را که متمایل به اسلام شده‌اند از پیوستن به این دین بازدارند.

سران مکه پس از شکست‌های پی‌درپی به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از پیشرفت اسلام، پیشنهادی صلح‌جویانه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بدهند، ولی خدای متعال با نزول سوره کافرون، نیت شومی را که آنان به دنبالش بودند آشکار نمود و پاسخی محکم به آنان داد.

## بررسی شبهه بعثت

مطابق روایات؛ نخستین وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، آیات ابتدایی از سوره علق بود، همانطور که می‌دانیم، آیات ابتدایی این سوره در ارتباط با داستان بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غار حراء است. در نتیجه باید پذیرفت که اولین نزول وحی، مقارن با بعثت بوده است. امین‌الاسلام طبرسی رحمه الله علیه در این باره می‌نویسد: اکثر المفسرین علی ان هذه السورة اول ما نزل من القرآن واول يوم نزل جبرائیل علیه السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وهو قائم علی حراء علمه خمس آیات من اول هذه السورة<sup>۴۲</sup>.

مطابق دیدگاه بیشتر مفسران، این سوره (علق) اولین سوره از قرآن است که بر پیامبر مطابق دیدگاه بیشتر مفسران، نازل شد و نخستین روزی که جبرئیل بر آن حضرت نازل گشت در حالی که ایشان در غار حرا ایستاده بود، پنج آیه اول این سوره را برای ایشان بیان کرد.

وانگهی؛ به‌طور مسلم نزول قرآن در ماه رمضان واقع گردیده است؛ چنانچه خداوند در سوره بقره بر

این امر تصریح می‌کند: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»<sup>۴۳</sup>؛

با توجه به این دو مقدمه چنین بدست می‌آید که بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماه رمضان صورت پذیرفت، این مطلب با دیدگاه امامیه که قائل‌اند واقعه بعثت در بیست و هفتم ماه رجب بوده، ناهماهنگ است. به نظر می‌رسد، اهل سنت که بعثت را در ماه رمضان می‌دانند برای آن است که آنها بعثت را توأم با نزول قرآن دانسته و نزول قرآن هم در شب قدر و در ماه مبارک رمضان می‌باشد. برخی روایات منابع امامیه هم این قول را تایید می‌کند.

«شَهْرَ رَمَضَانَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ الْقُرْآنَ... وَ فِيهِ نُبِيُّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ»<sup>۴۴</sup>. ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را نازل نمود... و در این ماه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نبی قرار داد.

### پاسخ شبهه

پاسخ از این شبهه می‌گوییم؛ با توجه به روایات گوناگون اهل بیت علیهم السلام (اهل بیت ادری بما فی البیت) باید جانب قول به ۲۷ رجب را گرفت. این مطلب منافاتی با نزول قرآن در ماه رمضان ندارد به دلیل آنکه قرآن کریم در دو مرحله نازل گشت، نزول دفعی و تدریجی. نزول دفعی آن در ماه مبارک رمضان و نزول تدریجی آن در ۲۷ رجب و همزمان با بعثت بوده است. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به تفسیر المیزان ذیل آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» مراجعه نمایید.

روایت شیخ صدوق رحمه الله علیه هم به دلیل آنکه در تقابل با طایفه‌ای از روایات امامیه قرار دارد، اگر نتوانیم معنایی از آن ارائه کنیم که با محتوای این طایفه هماهنگ باشد، به ناچار باید بر اموری مانند تقیه حمل کرد. (همانطور که گذشت، اهل تسنن قائل‌اند واقعه بعثت در ماه رمضان بوده است) علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

«هذا الخبر مخالف لسائر الاخبار المستفیضة، ولعل المراد به معنى آخر ساوق لنزول القرآن او غيره من المعانى المجازية، او يكون المراد بالنبوة فى سائر الاخبار الرسالة، ويكون النبوة فيه بمعنى نزول الوحي عليه صلى الله عليه و آله و سلم فيما يتعلق بنفسه كما سيأتى تحقيقه، ويمكن حمله على التقية»<sup>۴۵</sup>.

این روایت مخالف با سایر روایات فراوان است، و چه بسا این روایت معنای دیگری داشته باشد که مناسب با نزول قرآن داشته باشد و یا معنای مجازی دیگر، یا اینکه مقصود از نبوت در سایر روایات رسالت است و نبوت به معنای نزول وحی شخصی بر ایشان است یعنی اموری دینی که فقط مربوط به خود ایشان است [دستورات خاص اخلاقی و معارفی] و ممکن است این روایت حمل بر تقیه شود.

۴۳. سوره بقره: ۱۸۵.

۴۴. عیون اخبار الرضا: ۱/ ۱۲۳.

۴۵. بحار الانوار: ۱۸/ ۱۹۰.

## علت این که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات می فرستیم، چیست؟

علت‌های مختلفی وجود دارد؛ یک علتش این است که طبق آیه ۵۶ سوره احزاب دستور داده شده، «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (خدا و فرشتگانش بر (روان پاک) این پیغمبر صلوات و درود می‌فرستند شما هم‌ای اهل ایمان، بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوید و تسلیم فرمان او شوید).

دوم به خاطر برکاتی که صلوات دارد؛ روایت است کسی که صلوات می‌فرستد نفاق و تفرقه از دلش خارج می‌شود و به تک تک کلماتی که از زبانش گفته شده خداوند برایش ثواب می‌نویسد. اگر کسی ذکر صلوات را بر دفتری، دیواری و قاب عکسی بنویسد تا وقتی آن نوشته وجود دارد به ازای هر روز برایش ثواب نوشته می‌شود.

دلیل دیگر فرستادن صلوات هم می‌تواند محکم شدن مبانی و پایه‌های دین اسلام با صلوات باشد. به ترجمه صلوات دقت کنیم: خدایا درود بفرست بر محمد و خاندان محمد. یعنی می‌گوییم آنقدر پیغمبر اکرم دارای اصول، جایگاه خاص و مقام رفیعی است که نه تنها ما به ایشان درود می‌فرستیم از خدا چنین درخواستی می‌کنیم که خدا به ایشان درود بفرستد.

## دلیل افضلیت پیغمبر اکرم چیست؟

خداوند در آیه هفت سوره احزاب می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ ۖ وَ عِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا». مفسرین درباره این آیه بحث کرده‌اند که چرا اول اسم پیغمبر اکرم آمده بعد اسم حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی نوشته شده است. این پیامبران که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بزرگ‌تر بودند و از لحاظ زمانی هم تقدم داشتند، پس چرا در آیه اول می‌گوید از پیغمبر میثاقی غلیظ و پیمان محکم گرفتیم و بعد نام بقیه بزرگواران را می‌گوید. مفسرین بحث کرده‌اند این آیه به خاطر شرافت مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ یعنی شرافت مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بر دیگر انبیا، لذا آقا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اختیاراتی داشته که دیگر پیامبران نداشتند.

در دعای ندبه می‌خوانیم پیامبر به همراه جبرئیل آنقدر بالا رفتند که به اندازه دو قوس کمان با خداوند فاصله داشتند بلکه کمتر. هیچ نبی و انسان و پیغمبری این جایگاه را نداشت. جبرئیل که ملک وحی است و مامور است که وحی را از خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیاورد و آنقدر مقام و جایگاه در بین فرشتگان دارد، به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من اگر یک ذره دیگر بالاتر بیایم بال و پر می‌سوزد، جبرئیل اجازه نداشت به آنجا بیاید.

از سوی دیگر، در روایتی از امام صادق علیه السلام در کتاب تفسیر البرهان آمده است: در شرح آیه هفتم سوره احزاب این روایت آورده شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل علیه السلام

رسیدند. جبرئیل گفت یا محمد جلو بایست تا اقامه نماز کنیم و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفت که جبرئیل تو قطعاً اولویت داری که جلو بایستی تا من، جبرئیل گفت نه، تو سید کائنات و اشرف الناس هستی خداوند انسانی مانند تو خلق نکرده و در کل کائنات هم تو از همه بالاتر هستی.

## منابع

- قرآن کریم
- اثبات الوصیة: مسعودی، علی بن حسین، انصاریان، ایران؛ قم، سال ۱۴۲۶ / ۱۳۸۴، چاپ سوم.
- امالی طوسی: طوسی، محمد بن الحسن، دار الثقافة، ایران، قم، سال ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.
- بحار الانوار: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار احیاء التراث العربی، لبنان، بیروت، سال ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم.
- بعثت نامه: همایی، جلال الدین، «مبحث بعثت رسول اکرم(ص)»، در بعثت نامه: مقالاتی درباره بعثت پیامبر اکرم(ص)، گردآورنده: محمد رصافی، تهران، صبح صادق، ۱۳۸۳ش.
- تاریخ طبری: أبو جعفر، محمد بن جریر الطبری، دار المعارف بمصر، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م.
- تاریخ یعقوبی: یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر،
- التحقيق فی کلمات القرآن الکریم: مصطفوی، حسن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران، تهران، سال ۱۳۶۸ ش، چاپ اول.
- تفسیر مجمع البیان: طبرسی، فضل بن حسن، دار المعرفة، بیروت، لبنان، ۱۴۰۸ هـ.
- تفسیر القمی: قمی، علی بن ابراهیم، تصحیح موسوی جزائری، دار الکتب، ایران، قم، ۱۴۰۴ ق، چاپ سوم.
- جرعه‌ای از دریا: شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۸۹ هـ.

- خصال: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، ایران، قم، سال ۱۳۶۲ ش، چاپ اول.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی: مطیع، مهدی، «بعثت»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة): فتال نیشابوری، محمد بن احمد، انتشارات رضی، ایران، قم، سال ۱۳۷۵ ش، چاپ اول.
- سیرة النبویة: ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، قاهره، بی نا، ۳۵۵ق/۹۳۶م.
- صحیح بخاری: أبو عبد الله، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة ابن بردزبه البخاری الجعفی، تحقیق: جماعة من العلماء، السلطانیة، ببولاق مصر، ۱۳۱۱ هـ بأمر السلطان عبد الحمید الثانی.
- صحیح مسلم: أبو الحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقی، مطبعة عیسی البابی الحلبی وشرکاه، القاهرة، ۱۳۷۴ هـ - ۱۹۵۵ م.
- العین: فراهیدی، خلیل بن أحمد، نشر هجرت، ایران، قم، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ دوم.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، نشر جهان، ایران، تهران، سال ۱۳۷۸ ق، چاپ اول.
- کوثر: برداشت‌هایی از قرآن کریم، عبدالرحیم گواهی، علم، ۱۳۸۸ ش.
- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، ایران، تهران، سال ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم.
- مفردات ألفاظ القرآن: راغب أصفهانی، حسین بن محمد، دار القلم - الدار الشامیة، بیروت - دمشق، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
- نهج البلاغة: شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت، ایران، قم، سال ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.